

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه آزاد اسلامی

واحد مرودشت

دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، گروه روان شناسی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد (M.A) در رشته روان شناسی صنعتی و سازمانی

عنوان:

مقایسه سازگاری، عزت نفس و بزهکاری در بین دانش آموزان

با مادران شاغل و خانه دار

استاد راهنما یا استادان راهنما:

سرکار خانم دکتر سوسن سهامی

استاد مشاور یا استادان مشاور:

سرکار خانم دکتر آذرمیدخت رضایی

نگارش:

عاطفه پرویز زاده

زمستان ۱۳۹۲



معاونت پژوهش و فن آوری

به نام خدا

به نام مشور اخلاق پژوهش

بیاری از خداوند سبحان و اعتقاد به این که عالم محضر خداست و همواره ناظر بر اعمال انسان و به منظور پاس داشتن مقام بلند دانش و پژوهش و نظر به اهمیت جایگاه دانشگاه در اعتلای فرهنگ و تمدن بشری، م دانشجویان و اعضاء هیئت علمی واحد های دانشگاه آزاد اسلامی متعهد می گردیم اصول زیر را در انجام فعالیت های پژوهشی مد نظر قرار داده و از آن تخطی نکنیم:

- ۱- اصل تحقیق جویی: تلاش در راستای پی جویی حقیقت و وفاداری به آن و دوری از هرگونه پنهان سازی حقیقت.
- ۲- اصل رعایت حقوق: التزام به رعایت کامل حقوق پژوهشگران و پژوهشیدگان (انسان، حیوان و نبات) و سایر صاحبان حق.
- ۳- اصل مالکیت مادی و معنوی: تعهد به رعایت کامل حقوق مادی و معنوی دانشگاه و کلیه همکاران پژوهش.
- ۴- اصل منفعت ملی: تعهد به رعایت مصالح ملی و در نظر داشتن پیشبرد و توسعه کشور در کلیه مراحل پژوهش.
- ۵- اصل رعایت انصاف و امانت: تعهد به اجتناب از هرگونه جانب داری غیر علمی و حفاظت از اموال، تجهیزات و منابع در اختیار.
- ۶- اصل رازداری: تعهد به صیانت از اسرار و اطلاعات محرمانه افراد، سازمان ها و کشور و کلیه افراد و نهاد های مرتبط با تحقیق.
- ۷- اصل احترام: تعهد به رعایت حریم ها و حرمت ها در انجام تحقیقات و رعایت جانب نقد و خودداری از هرگونه حرمت شکنی.
- ۸- اصل ترویج: تعهد به رواج دانش و ابداع نتایج تحقیقات و انتقال آن به همکاران علمی و دانشجویان به غیر از مواردی که منع قانونی دارد.
- ۹- اصل برائت: التزام به برائت جویی از هرگونه رفتار غیر حرفه ای و اعلام موضع نسبت به کسانی که حوزه علم و پژوهش را به سلبه های غیر علمی می آلاینند.



معاونت پژوهش و فن آوری

به نام خدا

تعهد اصالت رساله پایان نامه تحصیلی

اینجانب حاطه پرویززاده دانش‌آموخته مقطع کارشناسی ارشد رشته روانشناسی صنعتی-سازمانی که در تاریخ ۱۳۹۲/۱۰/۰۸ ز پایان نامه خود تحت عنوان "معایه سازگاری، عزت نفس و بزبکاری در بین دانش‌آموزان بامادران شاغل و خانه‌دار" با کسب نمره... دفاع نموده ام بدینوسیله متعهد می‌شوم:

این پایان نامه حاصل تحقیق و پژوهش انجام شده توسط اینجانب بوده و در مواردی که از دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران (اعم از پایان نامه، کتاب، مقاله و...) استفاده نموده ام، مطابق ضوابط و رویه موجود، نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آنرا در فهرست مربوط ذکر کرده ام.

این پایان نامه قبلاً برای هیچ مدرک تحصیلی (هم سطح، پایین‌تر یا بالاتر) در سایر دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی ارائه نشده است.

چنانچه بعد از فراغت از تحصیل، قصد استفاده و هرگونه بهره‌برداری اعم از چاپ کتاب، ثبت اختراع و... از پایان نامه داشته باشم، از حوزه معاونت پژوهشی واحد مجوزهای مربوطه را اخذ می‌نمایم.

چنانچه در هر مقطع زمانی خلاف موارد فوق ثابت شود، عواقب ناشی از آن را می‌پذیرم و دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت مجاز است با اینجانب مطابق ضوابط و مقررات رفقار نموده و در صورت ابطال مدرک تحصیلی ام هیچگونه ادعایی نخواهم داشت.

نام و نام خانوادگی:

تاریخ و امضاء:



صورتجلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد (M.A)

نام و نام خانوادگی دانشجو: عاطفه پرویززاده در تاریخ ۱۳۹۲/۱۰/۰۸ رشته: روان شناسی صنعتی و سازمانی از پایان نامه خود با عنوان: مقایسه سازگاری، عزت نفس و بزهکاری در بین دانش آموزان با مادران شاغل و خانه دار با درجه و نمره دفاع نموده است.

نام و نام خانوادگی اعضای هیات داوری	سمت	امضاء اعضای هیات داوری
-------------------------------------	-----	------------------------

۱ -	استاد راهنما	
-----	--------------	--

۲ -	استاد مشاور	
-----	-------------	--

۳ -	استاد داور	
-----	------------	--

۴ -	استاد داور	
-----	------------	--

مدیر/معاونت پژوهشی

مهر و امضاء

مراتب فوق مورد تایید است .

پاسکزاری

پاسکزار کسانی، بسم که سر آغاز تولد من هستند. از یکی زاده می‌شوم و از دیگری جاودان.

با پاس از استاد بزرگوار سرکار خانم دکتر سهامی، همچنین استاد ارجمند سرکار خانم دکتر رضایی که در طی آماده سازی این پایان نامه از هیچ کوزه پشتیبانی دریغ نفرمودند و

بار اهنایی های آگاهاننده را مساعدت فرمودند.

تقدیم به

به پاس تعبیر عظیم و انسانی شان از کلمه ایثار و از خودگذشتگان به پاس عاطفه سرشار و کرمای امیدبخش وجودشان که در این سردترین روزگار
بهترین پشتیبان است به پاس قلب های بزرگشان که فریادرس است و سرگردانی و ترس در پناهشان به شجاعت می کراید و به پاس محبت
های بی دریغشان که هرگز فروکش نمی کند

پدرانان

مادرانان

استادانان

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	چکیده
۳	مقدمه
۵	بیان مسأله
۷	اهمیت و ضرورت تحقیق
۹	اهداف کلی
۹	اهداف جزئی
۹	فرضیه کلی
۹	فرضیه جزئی
۱۰	تعاریف مفهومی و عملیاتی
۱۰	وضعیت شغلی مادر
۱۰	تعریف نظری عزت نفس
۱۰	تعریف نظری سازگاری فردی - اجتماعی
۱۰	تعریف نظری بزهکاری
۱۱	تعریف عملیاتی عزت نفس
۱۱	تعریف عملیاتی سازگاری فردی - اجتماعی
۱۱	تعریف عملیاتی بزهکاری
۱۳	مقدمه

۱۴	اشتغال زنان خانواده
۱۶	نقش مادر شاغل در شکل‌گیری شخصیت و رشد اجتماعی فرزند
۱۷	تاثیر اشتغال مادران بر الگوپذیری ناقص
۱۸	جدایی مادر از فرزند در مراحل مختلف سنی
۱۹	دیدگاه‌های نظری اشتغال زنان
۱۹	دیدگاه جامعه‌شناختی
۱۹	نظریه خانواده متقارن
۱۹	رویکرد جنسیتی نقش
۲۲	دیدگاه فمینیستی
۲۲	دیدگاه ارتباطات انسانی
۲۳	دیدگاه اسلامی
۲۳	عزت نفس
۲۴	ابعاد عزت نفس
۲۵	عوامل مؤثر در عزت نفس
۲۸	نشانه‌های عزت نفس
۲۹	نقش خانواده در شکل‌گیری عزت نفس
۳۱	کمک تخصصی برای افزایش عزت نفس
۳۲	دیدگاه کارکرگرای
۳۲	نظریه‌ی جیمز

۳۳	نظریه ی روزنبرگ
۳۴	دیدگاه انسان گرا
۳۴	نظریه راجرز
۳۵	نظریه ی مزلو
۳۶	دیدگاه جامعه شناسی
۳۶	نظریه ی مید
۳۶	نظریه ی کولی
۳۷	دیدگاه روانکاوی
۳۷	نظریه ی هورنای
۳۸	نظریه ی آدلر
۳۹	سازگاری
۴۰	مقوله های سازگاری
۴۲	روش های سازگاری
۴۲	روش های مستقیم سازگاری
۴۲	روش های غیر مستقیم سازگاری
۴۴	زمینه های مهم سازگاری
۴۴	بهداشت و رشد فیزیکی
۴۴	دیدگاههای نظری سازگاری
۴۴	دیدگاه رفتار گرایی

۴۵	دیدگاه انسان گرایی
۴۵	دیدگاه شناختی
۴۵	دیدگاه تحولی
۴۶	بزهکاری
۴۷	پیوند نقش خانواده با بزهکاری
۴۸	رویکرد محیطی اجتماعی و دیدگاههای جامعه شناسی بزهکاری
۴۹	نظریه پیوند افتراقی
۵۰	نظریه یادگیری اجتماعی
۵۲	نظریه کنترل اجتماعی
۵۲	کنترل های شخصی
۵۳	کنترل های اجتماعی
۵۹	تحقیقات خارجی
۶۸	طرح پژوهش
۶۹	جامعه آماری
۶۹	نمونه و روش نمونه گیری
۶۹	معرفی ابزارها
۶۹	آزمون عزت نفس کوپر اسمیت
۷۰	پایایی و روایی عزت نفس
۷۱	آزمون سازگاری

۷۱	آزمون رفتار بزهکارانه
۷۲	تحلیل عامل بزهکاری
۷۴	شیوه اجرا
۷۵	روش تحقیق
۷۵	روش آماری
۷۷	مقدمه
۷۷	الف- یافته های توصیفی
۸۵	خلاصه تحقیق
۹۴	پیشنهادات کاربردی
۹۵	پیشنهادات پژوهشی
۹۵	محدودیت های پژوهش
۹۶	منابع
۱۰۹	ضمائم

فهرست مطالب

عنوان

صفحه

جدول ۱-۳ ویژگی های جمعیت شناختی پاسخ دهندگان را نشان می دهد.	۷۶
جدول شماره ۱-۳ : درصد فراوانی جمعیت شناختی	۷۷
جدول ۲-۳- ضرایب آلفای کرونباخ برای پرسشنامه بزهکاری	۸۰
جدول شماره ۲-۴: توصیف متغیرهای پژوهش	۸۴
جدول شماره ۳-۴: توصیف ابعاد متغیر عزت نفس	۸۵
جدول شماره ۴-۴: توصیف ابعاد متغیر سازگاری	۸۵
جدول شماره ۴-۵: توصیف ابعاد متغیر بزهکاری	۸۵
جدول ۴-۶ ضریب همبستگی	۸۶
جدول ۴-۷ مقایسه عزت نفس، بزهکاری، سازگاری، در بین مادران شاغل و خانه دار	۸۷
جدول ۴-۸ مقایسه ابعاد عزت نفس، در بین مادران شاغل و خانه دار	۸۸
جدول ۴-۹: مقایسه ابعاد سازگاری، در بین مادران شاغل و خانه دار	۸۹
جدول ۴-۱۰ مقایسه ابعاد رفتار بزهکارانه، در بین مادران شاغل و خانه دار	۹۱

چکیده

خانواده مهمترین نهاد اجتماعی در جوامع انسانی بوده و از نظر تکوین شخصیت و پرورش آن در فرزندان دارای آثار وسیعی است. هدف این پژوهش اشتغال زنان در جامعه و پیامدهای مثبت و منفی آن می باشد. هدف این پژوهش مقایسه سه متغیر بزهکاری، عزت نفس و سازگاری فرزندان در بین دو گروه فرزندان مادران شاغل و خانه دار است. با توجه به اهداف تحقیق و به منظور آزمون فرضیه ها، در این پژوهش از روش تحقیق علی - مقایسه ای استفاده شده است. روش نمونه گیری مورد استفاده در این پژوهش، روش نمونه گیری هدفمند می باشد. جامعه آماری فرزندان مادران شاغل و خانه دار مقطع دبیرستان شهرستان آبادان بود. از جامعه آماری ۲۰۰ نفر دانش آموز که شامل ۱۰۰ نفر دانش آموز مادر خانه دار و ۱۰۰ نفر دانش آموز مادر شاغل بودند که به عنوان نمونه انتخاب شدند. برای انجام مطالعه حاضر از پرسشنامه عزت نفس کوپر اسمیت، سازگاری اجتماعی فردی سهرابی و سامانی و بزهکاری سهامی، استفاده گردید است. پس از تکمیل پرسشنامه ها و ورود داده ها به کامپیوتر برای تجزیه و تحلیل داده ها از نرم افزار SPSS ۱۹ استفاده گردیده است. نتایج نشان داد فرزندان مادران خانه دار نسبت به فرزندان مادران شاغل دارای عزت نفس پایین تری هستند. بین بزهکاری در فرزندان مادران شاغل و مادران غیر شاغل تفاوت معنی داری وجود ندارد. بین سازگاری در فرزندان مادران شاغل و مادران غیر شاغل تفاوت معنی داری وجود ندارد. به عبارتی پابندی به هنجارها و سازگاری فرزندان مادران شاغل و مادران غیر شاغل یکسان بوده اما فرزندان مادران شاغل از عزت نفس بالاتری برخوردارند.

کلید واژه: عزت نفس، سازگاری، بزهکاری، مادران شاغل و خانه دار

فصل اول

کلیات تحقیق

از قدیمی ترین نهادهای موجود در جامعه نهاد خانواده است. خانواده در بیشتر جوامع، نهاد اصلی جامعه پذیری کودکان است. خانواده، مهمترین و اصلی ترین پرورشگاه و آموزشگاه فرد است و یکی از نهادهای آموزشی و پرورشی عمده ی جامعه محسوب می شود (کاکیا، ۱۳۸۷).

در میان اعضای خانواده، بیشترین سهم تاثیر گذاری بر فرزند از آن مادران است و بارزترین و والاترین نقشی که در کلام قرآن ترسیم شده است و مورد ستایش قرار گرفته است، نقش مادری و عهده داری تربیت فرزندان است، لیکن همراه با تغییرات ساختاری جامعه و بر اثر تحولات زندگی خانوادگی، زن خانه دار در عین داشتن مسئولیتهای متعارف، بیش از پیش مجبور به کار کردن در خارج از خانه گردیده است (نیکو، ۱۳۹۰).

به طور کلی بیرون رفتن زن از خانه و چند ساعتی از روز را در اجتماع بودن، باعث می شود که رفتار وی در خانواده هم تحت تاثیر قرار گیرد و در مواردی وظایف مادری و همسری را هم به نحو نا مطلوبی انجام دهد و بالعکس (قبادی، ۱۳۸۸).

چه مادر شاغل باشد چه نباشد، آنچه بیش از کمیت حضور او در کنار فرزند اهمیت دارد، کیفیت حضور اوست. چه بسا مادری که تمام ساعات روز را در خانه حضور داشته باشد، ولی به تربیت فرزندان و مراقبت از آنان توجه و پیگیری لازم را نداشته باشد (نیکو، ۱۳۹۰).

اشتغال مادران با ایجاد دگرگونی های بنیادی در ساخت شغلی خانواده، نظام ارزش های سنتی، توزیع نقش ها و پایگاه های زن و مرد، بر روابط درون خانواده و فرزندان آثار مثبت و منفی بر جای گذاشته است (نیکو، ۱۳۹۰).

گرمی، تعلق، وابستگی شدید، آزادی، سخت گیری، مداخله، پذیرش و انتظارات والدین از کودکان کیفیت این ساختار را تعیین می کند. افراط و تفریط در زمینه هایی چون پذیرش، مراقبت، آزادی، توقع و انتظارات و تشویق به انجام کارهای نادرست و خلاف، نقش مهمی را در ایجاد مشکلات رفتاری کودکان ایفا می کند (فولاد چنگ، ۱۳۸۵).

کیفیت روابط والدین و فرزندان، از عوامل تعیین کننده سازگاری^۱ است. نحوه تعامل والدین با کودک و جو روانی - عاطفی حاکم بر خانواده، خصوصیات شخصیتی و رفتاری کودک را شکل می دهند. بسته به این که خانواده از چه ساختاری برخوردار باشد، نحوه شکل گرفتن رفتار کودک نیز متفاوت خواهد بود (فولاد چنگ، ۱۳۸۵).

ناسازگاری فرزندان از مسائل مهم خانواده و مدارس و از جمله پدیده هایی است که در عصر حاضر نمود بیشتری پیدا کرده است. بسیاری از مشکلات خانواده ها و جامعه کنونی ریشه در ناسازگاریهای کودکان و نوجوانان دارد (کاکیا، ۱۳۸۷).

در این پژوهش، منظور از سازگاری توانایی آمیزش، انطباق، مصالحه، همکاری و کنار آمدن با خود، محیط و دیگران است (فولادی، ۱۳۸۳).

عزت نفس^۱ که یکی از خصوصیات مهم و اساسی شخصیت هر فردی را تشکیل می دهد، به طور حتم روی سایر جنبه های شخصی انسان اثر می گذارد. و کمبود یا فقدان آن باعث عدم رشد سایر جنبه های شخصیت یا ناموزونی آنها خواهد شد و حتی ممکن است پایه گذار بیماریهای روانی گوناگون مانند افسردگی، کمرویی، افت تحصیلی، ترس و ... شود (بیابان گرد، ۱۳۷۳).

عزت نفس عبارت است از ارزشی که اطلاعات و اعتقادات خود فرد در مورد تمام یا بخشی چیزهایی که از او ناشی می شود به دست می دهد (شاملو، ۱۳۸۴).

گرمی، توجه و علاقه ای که والدین به نوجوان نشان می دهند کمک چشمگیری به ساخته شدن خود مثبت در او خواهد کرد. والدینی که به فرزند خود علاقه نشان می دهند و دلسوز او هستند فرزند نوجوانی با عزت نفس بالاتر خواهند داشت. علاوه بر این، فرزندان والدین دمکراتیک غیر آسانگیر نیز احتمالاً از عزت نفس بالاتری برخوردار خواهند بود. والدین خوب ضمن آن که همیشه جدی هستند و از فرزند خود توقع بالا دارند، در موارد ضروری می توانند انعطاف پذیری نشان داده و مقررات را نادیده بگیرند. ظاهراً ترکیب قاطعیت و گرمای هیجانی، ترکیبی کارساز است. در این موارد رابطه ی والد - نوجوان با پیوند عمیق عاطفی، همانندسازی پر قدرت و ارتباط خوب مشخص می شود. احتمال کمی عزت نفس در فرزند نوجوان والدینی که انتظارات و روش تربیتی همسانی ندارند، بیشتر است (فروغان، ۱۳۸۸).

در جوامع بدوی و ایستا، یعنی جوامعی که در آن قوانینی مکتوب وجود ندارد، انحراف، بزهکاری^۲، جرم در یک معنی به کار گرفته شده است و هر سه مفهوم به تخلف و سرپیچی از آداب و رسوم و ضوابط جامعه اطلاق می شود (مساواتی، ۱۳۷۴).

خانواده کوچکترین واحد اجتماعی است که بوسیله ازدواج زن و مرد تشکیل می شود و با تولد فرزندان تکامل می یابد. اما اینکه فرزندان چگونه پرورش یابند تا به این تناسل بقا ادامه دهند و صحت و سلامت جامعه را تأمین نمایند، خود زائیده ی تفکر، تلاش و روشهای تربیتی خانواده است.

1 Self-esteem
2 Delinquency

بزهکاری در کودکان و نوجوانان هرچند می تواند به عوامل بسیار، از جمله مشکلات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و غیر وابسته باشد. اما در گام نخست این خانواده است که کودک را به مسیر صحیح هدایت می کند یا بستر گناه و جرم و انحراف را برای او مهیا می سازد انسان به دلیل ویژگی اجتماعی بودن خود از بدو تولد تحت تأثیر افکار، عقائد و رفتار اطرافیان قرار می گیرد و بعدها به تقلید از این رفتارها و گفتارها الگوهای را که به نحوی در ارتباط با او هستند سرمشق رفتاری خود قرار خواهد داد. به این ترتیب، اگر با گسترش بزهکاری در کودکان و نوجوانان روبرو هستیم باید خانواده را بعنوان اولین کانال ورودی فرد به اجتماع مورد بررسی قرار دهیم و علل و انگیزه های اولیه را در آن جستجو نماییم (توسلی، ۱۳۸۴).

بیان مسأله

خانواده هسته نخستین جامعه است، اولین مدرسه و محور اصلی تربیت فرزندان. لذا خانواده در جهت دادن افراد به سوی انسانیت و پرورش و تکوین شخصیت آنان می تواند نقش فوق العاده ای ایفا نماید و خطوط اصلی رفتار آنان را پدید آورد. فرزندان، در درجه اول محصول تربیتی خانواده هستند و اساس شخصیت نسل آینده در خانواده شکل می گیرد (کاکیا، ۱۳۸۷).

پارسونز و بیلر^۱ ۱۹۹۵ در خانواده دو نقش را در رابطه با والدین مطرح ساخته اند. نقش ابزاری و نقش عاطفی. پدر به طور سنتی به ایفای نقش ابزاری (که معرف ارزشها و خواسته های جامعه است) و مادر نقش عاطفی (که عامل پیوند صلح آمیز اعضا خانواده با یکدیگر است) می پردازد (اتکینسون، ۱۹۸۷).

یکی از مهمترین و شاید اصلی ترین کارکرد خانواده در مورد فرزندان نگهداری، تربیت و تامین سلامت روانی آنهاست که بیشتر متوجه مادران است. زن به طور کلی بیشتر با توجه به نقش های سنتی او در خانواده در نظر گرفته می شود اما با توجه به اشتغال زنان در خارج از خانه، وظایف او در داخل خانه نمود بیشتری پیدا می کند و فشار مضاعف ناشی از دوگانگی نقش بیشتر احساس می شود (اتکینسون، ۱۹۸۷).

اشتغال زنان یکی از موضوعات مورد توجه در علوم انسانی و علوم اجتماعی است که مباحث زیادی را به خود اختصاص داده است. این پدیده به دلیل گستردگی و عمومیت خود در حیات انسانی و اجتماعی بشر از اهمیت خاصی برخوردار است (اتکینسون، ۱۹۸۷).

اشتغال زنان به عنوان یک حق نه یک تکلیف علاوه بر پیامدها و مزایای مثبت، همانند مشارکت در توسعه اجتماعی، اقتصادی، کمک به درآمد خانواده، افزایش توان مدیریتی زنان، باروری پایین و... دارای پیامدهای

1 Parsons & biler
2 Atkinson

منفی نیز است از جمله می توان به تعارض نقش، خستگی جسمی و روحی، تنزل خانواده و از همه مهمتر به مشکلات رفتاری فرزندان اشاره کرد (امین پور، ۱۳۸۹).

برخی محققان براین باورند که اشتغال مادر مانع مراقبت کمی و کیفی لازم از فرزندان می گردد و اثرات نامناسبی بر سازگاری و عزت نفس آنان می گذارد. از طرف دیگر برخی اظهار داشته اند که مادر شاغل با ارائه یک الگوی مثبت از نقش زن می تواند اثرات مثبتی بر فرزند خود داشته باشد (رضایی، ۱۳۸۹).

والدین برای کنترل کودک از الگوهای خودکامه، آسان گیر، آمرانه استفاده می کنند والدینی که از سبک آمرانه استفاده می کنند، فعالیت فرزندان خود را به شیوه های منطقی هدایت و آنها را به گفت وگو ترغیب می کنند، علاوه بر آن، وقتی کودکان نافرمانی می کنند، بدون آن که بیش از اندازه آنها را محدود کنند، کنترل قاطعانه ای را بر آنها اعمال می کنند. این گونه والدین به نیازها و علایق فردی فرزندان بها می دهند، ولی استانداردهای مشخصی را نیز برای رفتار آنها تعیین می کنند (فروغان، ۱۳۸۸). این کودکان از دو گروه دیگر، سازگاری بهتری دارند. آنها متکی به خود، مسلط بر نفس، دارای اعتماد به نفس و شایستگی اجتماعی هستند (فروغان، ۱۳۸۸).

عزت نفس نیز که از مهمترین مولفه های بهداشت روانی است عبارت است از مجموعه ویژگی هایی که یک فرد برای توصیف خودش به کار می برد. به سخنی دیگر، می توان گفت عزت نفس هر فردی بر اساس ترکیبی از اطلاعات عینی در مورد خودش و ارزش های ذهنی که برای اطلاعات قائل است پایه گذاری شده است. (براندن^۱، ۲۰۰۷).

به این ترتیب اگر با گسترش بزهکاری در کودکان و نوجوانان روبرو هستیم باید خانواده را به عنوان اولین کانال ورودی فرد به اجتماع مورد بررسی قرار دهیم و علل و انگیزه های اولیه را در آن جستجو نمائیم و کودکان و نوجوانان بزهکار معمولاً دارای والدین بسیار خشن و سخت گیر یا بسیار بی تفاوت و بی توجهی هستند. عدم توجه و اهمیت به نیازها و خواسته های جسمی و روحی کودک، ذهن و فکر او را مغشوش کرده و دچار ناآرامی و التهاب می نمایند. از طرفی خشونت ها، سرزنش و سرکوفت های بی مورد، بی لیاقتی، سرخوردگی و در نهایت اضطراب دائمی را به ناخودآگاه فرد انتقال می دهد. در چنین وضعیتی کودک که جایگاه مشخصی برای خود در خانواده نمی یابد کم کم از حالت عادی خارج شده و به اعمالی روی می آورد تا شاید از این طریق توجه دیگران را به خود معطوف دارد. برای کودک در این مرحله زیاد مهم نیست که این امر دارای نتایج مثبت و یا منفی هستند بلکه آنچه برای او حائز اهمیت است فقط نیاز به نگاه و توجه دیگران است که در اثر کمبودهای عاطفی در وجود او ریشه دوانده و او را وادار به چنین کارهایی کرده است. برخی از والدین در ایجاد ارتباط بین افراد خانواده دچار خطا و اشتباهاتی می گردند

^۱ Branden

که بعضاً غیر قابل جبران است. وضعیت و شرایط متفاوت بین دختران و پسران یک خانواده، طرز فکر والدین در مورد تک تک آنها و ارتباطی که بین فرزندان حاکم است در استواری یا تزلزل بنیاد خانواده مؤثر است. تبعیض بین فرزندان از لحاظ سن، جنس، استعداد، تواناییها عاملی است که کودکان و نوجوانان را به فکر می برد و چون به دلیل قانع کننده ای نمی رسند وادار به ارتکاب جرم می شوند (احدی، جمهوری، ۱۳۸۵).

سازگاری، عزت نفس، بزهکاری با عوامل گوناگونی مثل وراثت، محیط، خانواده، شیوه های تربیتی و غیره در ارتباط است در این میان شاغل بودن مادر و به تبع آن حضور کمتر وی می تواند از عوامل تاثیرگذار بر عزت نفس، بزهکاری، سازگاری باشد.

موضوع مورد بررسی در این پژوهش عبارت است مقایسه عزت نفس، سازگاری، بزهکاری فرزندان دانش آموز دختر مقطع متوسطه مادران شاغل و خانه دار در شهر آبادان. در این پژوهش می خواهیم این مطلب را بررسی کنیم که آیا بین عزت نفس، سازگاری، رفتار بزهکارانه فرزندان مادران شاغل در مقایسه با فرزندان مادران غیر شاغل تفاوتی وجود دارد؟

اهمیت و ضرورت تحقیق

با توجه به نیاز روز افزون جامعه به نیروی انسانی و همینطور نیاز اقتصادی خانواده، نقش زنان در امور اقتصادی کشور در چند سال اخیر بیشتر شده است، که این نیاز پیامدهایی به دنبال خواهد داشت، از جمله آن، کم رنگ شدن نقش زن در خانواده به عنوان همسر و مادر و تاثیر آن بر ویژگی های شخصیتی فرزندان است. از جمله ویژگی هایی که این تحقیق قصد بررسی آن را دارد سازگاری عزت نفس و رفتار بزهکارانه نوجوانان است (رضایی، ۱۳۸۹).

زن به عنوان مادر عامل مهمی در فراهم آوردن فضای سالم جهت رشد و پرورش فرزندان شایسته برای فردای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی این سرزمین می باشد. لازم است در مورد نقش زن در خانواده تحقیق بیشتری صورت گیرد (فولاد چنگ، ۱۳۸۵).

سطح عزت نفس می تواند بر ماهیت رابطه با دیگران و سلامت روانی ما نفوذ قوی داشته باشد. عزت نفس یک ضرورت حیاتی برای هر انسان است و برای رشد طبیعی و سالم، واجب و ضروری است. عدم پذیرش خود و دیگران، ترس از ترک شدن، استفاده از مکانیزم دفاعی، اعتیاد، مشکلات مربوط به کنترل و تصمیم گیری از عوارض عزت نفس پایین به شمار می آید (شیهان، ترجمه گنجی، ۱۳۸۷).

کسانی که عزت نفس بالایی دارند در مقایسه با کسانی که از عزت نفس پایینی برخوردارند بهتر می توانند با موقعیتهای مختلف سازگار شوند. به عبارت دقیق تر این افراد در موقعیتهای مختلف کمتر دچار اضطراب